

برگزاری	قیمت سالی
از وزراء و اعیان د	ر منافع دولتی و فوائد ملی بحث نمیشود
معارف دوستی	
برای مکاتب ملی و کتب	
ومعاونین و وقائع نگارا	
رایکان	
از عموم خبرداران در داخله	
(۱۲) رویه کابلی در خارجه	
نم بوند انگلیس با مصوب پوست	
از طلاق و عصلان لطف قیمت	
شهره	از ابتدای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش
داخله خارجه	خبرده رایش فرستاده میشود
(۸) رویه (۷) شلنگ	قیمت یک شهره یک جمی



۱۳۴۲ شعبان سنه (۱۴۰۲) حوت ۲۸ (تاریخ شنبه) (۱۲) قمری تاریخ شنبه (تاریخ شنبه) (۱۴۰۲) هجری

الایران	درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی
د افغانستان کابل	ر منافع دولتی و فوائد ملی بحث نمیشود
سر دیر	
سید محمد قاسم	
امورات خبربریه بنام	
اداره فرستاده شود	
اداره در انتشار و اصلاح مقلاط	
وارده محظوظ است	
در هر هفته یکبار اشر میشود	
اور اقیکه درج نشود اعاده نمیشود	

فہرست مقالات

- (۱) الفاء خلافت و موقف مسلمین - (۲) احداث یک مؤسسه خیریه (۳) - اظهارات حسنہ بک غر ابراقی حق
شناس لبست به اعلیحضرت غازی - (۴) عرضه هیئت تجار افغان از تراجمی (۵) عرض تجویی ماموریت آجی -
(۶) اطلاع اجازه اراد اسلیحه توپیف شده افغانی - حوادث داخلیه - حوادث خارجیه -

عقیده مخصوصی دارد. و چون که این بحث خارج از موضوع
نکارش مامت ازان صرف لفاظی کنیم و فقط هینقدر بیکوشیم
که خلافت بر نوع و مورث که باشد اصریز به عقیده جمهور
مسلمین و مفکرین اسلامی از شماز اسلام است و برای اتحاد
مسلمین یک وسیله عده دینی و بک مامل مهم از سلط سیاسی

است، بناء عليه وجودش ضروری وحتی است.
برای فهم موضوع بخواهم که از نقطه لفظ تاریخ و عنوان
ظاهری دینی این مسئله را تعقیب کنیم: بعد از رحلت حضرت
رسول مقبول صلی الله علیه وسلم حضرت ابو بکر صدیق رضی
الله عنہ بخلافت آنحضرت انتخاب و بهنام (خلیفه رسول الله)
ملقب آردیدند. حضرت عمر فاروق رضی الله عنہم که خود
را جاشین حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنہم میدانست
لقب (امیر المؤمنین) را اختیار کردند ولی علی الاطلاق و بالاتفاق
او را هم خلیفه میدانستند و هم خلیفه خطاب میکردند کذا
حضرت عثمان و حضرت علی رضی الله عنہم که این چهار نفر
و حفقاء را شدین مسی و موصوفند. فی الواقع اکر خلافت
حقبه ای دارد همین خلافت خلفاء راشدین است و خلافت چند

الفاء خلافت

و

موقف مسلمین

از وقایع بسیار زرک و مرم تاریخی که درین هفته اطلاعات
آن رسیده است سقوط خلافت است که جمهوریه ترکیه آن
را الفاء نمود. و خلیفه را باعث شده و نسبتی او از قسطنطیلیه
کشید. شنیدن این اطلاع قلب هر مسلمان صادق را متاز و
محزون کردانیده خصوصاً کسانیکه به دیانت و ایمان شریعت و
عنوان دینی و شماز اسلامی بیشتر علاقه مندی دارند.
این مسائل که خلافت جیبت، خلیفه کیست، خلافت
از مسائل دینیه هست یانه، خلافت متسائل که تایین وقت آمده
هان خلافت اسلامی بوده است یانه، در وقت حاضر وجود
خلافت و بک خلیفه برای مسلمین از جیت دیانت یا سیاست ضروری
است یانه، اکر هست اتفاق مسلمین در این مسئله بجهه صورت
و کدام طریق حاصل میشود؟ از مسائل خاصه ایست کافرق
مسلمین و احزاب مفکرین آنها از قدیم الى الان دران با عقائد
و افکار مختلفه دارند تا شده نکارنده هم در این مسئله از خود

بعدازان که افراطیون ترکان صلحه جمهوریت را طی کردند تصمیم گرفتند که خلافت وزارت امور شرعیه و اوقاف و دیگر مؤسسهات دینی را را الفا و آن میان برداشتند. چون تهابین اقدام یک اقدام های بزرگی است که علاوه از خود رکان دیگر مسلمین عالم را نیز از آنها منتفر می سازد، باز سیر تدریجی را پیش گرفتند و به تدبیری که هر کس میداند برای معلوم کردن افکار عامه و اندازه شورش مردم در اوائل ماه نومبر سنه (۱۹۲۳ م) روزنامه اقسام اخبار ترکیه که در قسطنطینیه تشریف شود و از روزنامه های طرفدار جمهوریت است بی یک ساقه عالم اسلام و ترک را به یک خبر بزرگ تکان داد که خلاصه آن این است (حضرت خلیفه تصمیم ترقه اند که از خلافت استعفا نموده و ازین مقام خود را کناره کنند) انتشار این خبر در صدر قسطنطینیه یک هیجان بزرگ تولید نمود و فردای آن روز همراه با بزرگدیدگران خلیفه حاضر شده حقیقت را ازو جویا شدند و معلوم شد که خلیفه به این اصرار تصمیم نکرته و اشاعه مذکور را پیاپی کنند بوده لا کن بعد از چند روز باز روزنامه اقسام خبر فوق را تکرار نمود که خلیفه استعفا می کند و بعداز استعفای او یک کنفرانس عمومی اسلامی العقاد می پاید که در احوال مسلمین و انتخاب خلیفه برای مسلمین مذاکره و تداول افکار کنند. از مطالعه این خبر لطفی ذکری یک نقیب و کلای محکم به غصه و هیجان آمده یک مکتوب سر کشاده خلیفه نوشته که جریده (طنین) ترکیدر (۱۰) نومبر (۱۹۲۳ م) آنرا نشر نموده است. لطفی ذکری یک در این مکتوب خود عجب آبا و اجداد خلیفه را باو یاد آوری و به حفظ مقامش دعوت نموده می کوید که عنایت الی اورا چنان یک موقف زموده بسته داده که میتواند با بن موقیت خود مجرای تاریخ را بر کردند. این جریانات هیجانهای بزرگی در قسطنطینیه ایجاد نموده و روزنامه های طنین و توحید افکار و اقدام بر علیه حکومت مقالات مفصلی نوشته در همین اوقات مکتوب آغازان و امیر علی راجع به خلافت در قسطنطینیه نشر شد و افکار حکومت افقره را مشوش نمودند. لهذا برای جلوگیری و فرو لشاندن این هیجانها حکومت در (۷) دسمبر (۱۹۲۳ م) مجلس اعیان را میکردند و قرارداد که یک هیئت مفتسله به نام (حکمه استقلال) به قسطنطینیه برای حما که این اربابی جرائد که بر علیه حکومت و طرفدار خلافت هستند فرستاده شود. حکمه استقلال وارد قسطنطینیه شدند. فرستاده شود. حکمه استقلال وارد قسطنطینیه شدند، و حتما خلافت لغو و روابط دین با سیاست و حکومت عیشوند، و قطعا خلافت از یک مصاحبه است. که یک خلیفه میشود و یک جمهوری اروپائی صورت میگیرد. بناء علیه بغض رجال بزرگ را که خود را کناره کنند. و از جمهوریت یک تنفس عمومی در صدر تولید و تجزی خلافت را ایجاد کرد.

ماهه حضرت امام حسن رضی الله عزیز نزد جزو خلافت حلفاء را شدند است. چون حضرت امام حسن رضی الله عزیز عین جلوگیری در در عهد سلطان عبد الحیده شاه مشرطه بود، و چون خلافت شاه طباطبای شاهزاده میباشد، اما عبد الحیده کافی است. هم باشند و هم خلیفه، و بعد سلطان محمد شاه سلطان حسید الدین، در موقع جنگ عموی چون سلطان طرفداری متعددین جرمی شرک جنگ شد، و ملاجر غافل از حقاب ایشان به خاندان بی امیه به تواتر استقلال رده رئیس حقاب ن مثل دیگر اصول اسلامی در دوره حکمرانی این حضرت عباس عزیز آنحضرت میلی الله علیه وسلم انتقال ردد که اول زمان خلیفه دوم عباسی در تمام مملکت اسلامی فقط یک حکمران و یک خلیفه بود. در عهد حلبیه دوم از بقایای این امیه عبد الرحمن مام که به اسپانیه که بخته بودیک حکومت مستقله اموی در اسپانیه تشکیل داد. و عبد الرحمن ثالث حکمران هشتم این طبقه کادر سلطان (۳۰۰) زمام امور را بدست آرفت خود را را خلیفه معرفی کرد و مثل القاب ای عباس لقب خود را (ناصر الدین الله افراز داد. ازین وقت یک خلافت دیگر هی در اسپانیه ایجاد شد. هکذا بیرون زم در مصر خلافه قاطی و در مصر اکنون خلافای موحدین و در تونس خلافای حفصیه و عیمه عرض اندام نمود. و خلافت دستخوش اخراج دفعه مسنبین کردند. باعلو از خلافه امروی اسپانیا وغیره بلاد، اسراء و سلطان دیگر هم در ایران و افغانستان و شام و مصر و سرزمان اسلامی دولت های مستقل تشکیل داده و بالآخر داره حکومت خلیفه عباسی به شهر بغداد و بوکاچی ن خسرود کردند سلطنه مستقل خلافه همان خلافه عباسی میباشد که ناسنه (۵۵۶) در پیگداد علی التوالی خلیفه بودند و در سنه مذکور هلا تو وارد ابداد شد. ملیفه آحری عباسی را که معتصم بالله نام داشت قتل و پیگداد را بعد از چند روز قتل عام بمحیطه تصرف روز آورد و تا سال طلم اسلام ری خلیفه ماد. و در سنه ۱۵۵۹ صدر مهر احمد نام ملقبه مستنصر بالله یکی ازی عباس را در مصر خلیفه ساختند و سلطنه خلافه عباسی مادر که احیا شد. چون در سنه ۱۹۲۳ سلطان سلطنه اول سلطان عیان ولایت مصر، ۱۱ خاندان جرکس فتح نموده خلیفه عباسی متولی علی الله زمام خلافت تبریز، و زن را به سلطان سلم ماسائر آثار پیشی و کلیدهای حرم من شه طعن آبلیم نمود این وقت بعد، خلافه عیان اسفل باقی سلطان عیان هم مصاحب سلطنه دنی و هم سلطنه دنی و میباشد. و در این طلم اسلام یک خلافت ماد.

اذیش ایجخا چنین تجویز شد که عووم اهالی ایجخا و مأمورین دولتی خصوصاً آن ذوانیکه تازه درین ایام خیال رفته که شریقه را داردند مقدمات این اصرخیر شامل شده ویک مؤسسه خیریه که برای پرستاری و دستکبری از فقراء و مساکین این شهر تجویز و تاسیس نموده ام هر کس بقدر همت و احساسات نوع پرستانه خود از قدر و جنس پادشاه که میتوانند امداد و همراهی غایبند ناهمت و معاونت شما برادران بروزی این موسسه خیریه را کنموسوم به (فقیر خانه) است تاسیس این موسسه خیریه را کنموسوم به (فقیر خانه) است تاسیس کرده و از غرباً و فقراء این شهر پرستانی شود تا اینکه این بیچاره ها از امدادشما برادران نوعی خود از فقر و هلاکت و عمل مذموم تکدی خلاص شده برای شمایان اهالی این شهر در دینها سرفرازی و نیکنامی و با خرت اجر و نواب و محضور خالق تان خوشنودی و رضامندی حاصل شود

صورت تاسیس این فقیر خانه و موسسه خیریه و اجرای معاملات آن وجمع آوری وجه خیرات مجالشان این زیب است (۱) خود این جانب بطور فخری ریاست این موسسه خیریه را متعهد شده جای اقامت فقرا والات و اساییدک شوان بذریه آنها کسب و کمال یافی اموزند با این مشت اعاهه نقدی از خود تهیه کرده و تازه مایلک این موسسه کسب اساس و بهتری نماید ریاست آن از هر چیز با خود من خواهد بود

(۲) تحویلدار و منتظم داخله این موسسه آقای متولی بانی مسجد جامع نزیف که یک شخه می باشد و این امین است منتخب شده اند کسانیکه این موسسه خیریه چیزی امداد نهاد و جنبی میدهند با آقای متولی بانی موسوف تحویل کرده و از رسیدهای چهاری این موسسه که با اضافی آقای موسوف معموق است باز یافت بدارند

(۳) از طرف اهالی عترم و تمامی اشخاص اهل خیر و سخا امداد نقدی و جندی بذریه میشود بهمن غرض که هر کس بسیارات این موسسه خیریه شامل و داخل تواب شده بتواند از تک مذکور که امضا آقای تحویلدار را داراست در خود شهر بخند نقطه و در خارج شهر بتوسط وکلای موقق که برای این موسسه انتخاب شده سپرد تریده که هر کس نه چیز نقدی و جندی این موسسه خیریه بدهد تسلیم همان و کل کرده رسید حاصل دارد تادر ثانی بوجب هان رسیدات تحویلدار موسسه مبلغ و متعاق خیریه را از وکلای خود نسیم شود

(۴) از ار باب خیر هر کس بزرگ دارند و چه نقدی با اشیای جندی مثل گشتم ، آزاده ، و چوب ، برچ ، کامب ، مال موافق

تاسیس و اصول اداره این مؤسسه خیریه از خطابه و لامنه حضرت عالی جانب موصوف که در هرات طبع و نشر شده وقطه ازان به اداره مارسیده است واضح می شود . رای آهی هوطنان عنز و اشوبیق ذوات بزرگ با بجاد همچه مؤسسات خیریه درساز بلاد خطابه و لامنه مذکوره را ذیلا می نکاریم :

(خطاب)

خطاب عروم آقا بان حجاج و کافه اهالی عترم هرات را مستحضر می سازد :

هوطنان عترم ابرادران عنز ابتدۀ عاجز همچنانکه از بد و مأموریت خودم برای تنظیمات اینولايت از حضور اعلیحضرت پدر تاجدار غازی موظف باصلاح امورات اداره رسمیه ولایت شده و ضمناً مکاف بودم باصلاح بعضی نوافصیه اسلامی از غایبند های عموم مسلمین دریک همایکت خالص اسلامی که از دسائی خارجی و اثارات اجنی محفوظ باشد العقاد اینک در ظرف این دو سال بذل و صرف اوقات شبا روزی شود واعضاء مجلس باغلاق هم اولاً صورت خلافت را تعین و بعید گنفر از قاندین مشهور اسلام رایه خلافت انتخاب کنند این است عقیده ما وافکار عامه مسلمین افغانستان از جیش دیانت و حفظ شعائر اسلامیت ها که عموم مسلمین متفقین در این مفکره بامام عقیده خواهند بود . ویاگی در این باب عجله نشود به نانی و نامل مسئله را طی باد نمود .

احداث یک مؤسسه خیریه

هوطنان عترم ا در جله امور ناقصه توجه طلب ایجخا حضرت عالی آقای شجاع الدوله خان رئیس هیئت تنظیمیه هرات را عووم اهل وطن می شناسند که یکی از رجال بزرگ عصری وطن می باشدند ، و در راه خدمت بدولت و ملت و تاییات عده مسلمین فقیر و تابون و بی بضاعت این شهر است که غالباً ایشان بخاره ها از جسد وزن و اطفال خورد سال بات عربان و شکم کرنسه و چشم کربان در بوزه کری کرده از آن و ناله از وقتیکه به سمت ریاست هیئت تنظیمیه هرات وارد آن و لایت کرده اند ، یعنی امور نافعه و اساسیه را مثل تعمیم معارف و توسعه ، دائز مطوعات و تغذیه یلفون و اعمری دل مالان و دیگر چون از وقتی است که ایجخان در صدد تکدی و در بوزه کری کارهای عده و تریبات ادارات و اصلاحات آن که عووم ازان بعید نشوند . این بود ما حصل تاریخ خلافت و الغاء آن از طرف ترکما و عقائد آن نسبت به سیاست و دیانت و خلافت حالیه باشی دقت بشود آن موقف مسلمین در این سانحه و وظیفه آنان چیست ؟ بعض اشخاص خوش عقیده هنوز کان دارند که ترکما خلافت را یک صورت دیگر تحویل داده اند یعنی ترکما همین جمهوری خود را خلافت اسلامی میدانند

و با خلافت را برآنها تحمیل نمود . لکن از بیانات فوق الذکر دیگر جای اشتباه نمایند که ترکما موجوده که اختیار و اقتدار دارند به خلافت عقیده ندارند و نه خلافت میخواهند . بعده مطمئن شدند که در موقع القاء خلافت هیجان ایشک بروز کند مقاومت و دفع آن را می توانند .

در این تردد که ایجخان رئیس افراطیون که رئیس ایجخان دلیس جمهوری مصطفی کمال باشا و رئیس وزراء عصمت باشا و نائب دکتور رضانور یکی می باشد ، چون خواست که الغاء خلافت و اخراج وزارت شرعیات را اعلام کند برای تهیه زمینه ، مصطفی کمال باشا به از میر آمد تمام روز نامه نویسان قسطنطینیه را پیش خود محرمانه خواست که کسی نداند که باشا آنها را خواسته چنانچه ، جریده توحید افکار که قبل از رفتن رئیس تحریرش بادیگر همکاران خویش به از میر ، بین نکته اشاره کرده بود ، در موقعیکه روزنامه نویسان بحضور باشا حاضر شدند ، ولید یک ایجخان رئیس تحریر (توحید افکار) را انجام نداد که بحضورش حاضر بشود و تصریح نمود که از بعده نشست کردند اوین خبر را نیخواهد بالا ملاقات کند . منظور پاشا از خواستن روزنامه نویسان همین بود که آنها بتهیب و ترغیب طرفدار خود ساخته تا در موقع اعلام القاء خلافت و خلیج لباس دیانت از حکومت چیزی نتوینند . چنانچه روزنامه نویسان را نکدشت تا که ازانها قول نکرند ، بعده کا اصار تجدید بودند اطمینار معاونت نمودند و بعضی دیگر کا ازاله عماطفین بودند سکوت را قبول کردند .

بعداز تجدید این مقدمات و استعدادات میدان صاف شد و برای اعلان قسمیم افراطیون عائق نماید . در موقعیکه بودجه امساله در مجلس مطرح مذاکره شد . شکری یکی و کل از میر با یک جسارت فوق العاده روی میزبر آمد . راجع به الغاء وزارت امور شرعیه و اوقاف اطمینار نمود : یافی این بعد دین را از سیاست یک طرف بکذارید . هکذا در موقع مذاکره بر بودجه و مصارفات خاندان عثمانی این مسئله هم قطیع شد که باشی خلافت الغاء همه متعلقات خاندان خلافت با خلیفه از قسم علطیه بعید نشوند . این بود ما حصل تاریخ خلافت و الغاء آن از طرف ترکما و عقائد آن نسبت به سیاست و دیانت و خلافت حالیه باشی دقت بشود آن موقف مسلمین در این سانحه و وظیفه آنان چیست ؟ بعض اشخاص خوش عقیده هنوز کان دارند که ترکما خلافت را یک صورت دیگر تحویل داده اند یعنی ترکما همین جمهوری خود را خلافت اسلامی میدانند

ظرف ، رخت خواب ، وغیره هرجیز یکی به مخوبیت امیر موسسه خیریه پاولوای آن میدعنه جزو وادازه هان امداد کرد کی خود را دقت و ملاحظه بفرمایند که از طرف تمویلدار و کلا داخل هان رسید کرده شود و در ثانی جمهوری صورت برداشتن اصل رسید خود را قتل کرده کتبأ اکر خواسته باشد که بیاد آوری و نام خیر آنها در روز نامه و اخبار شایع شود در دفتر اداره موسسه خیریه خبر بدهد.

۵) عموم فقرای شهری که مستحق و قبل پرستاری و داخل شدن فقیرخانه را داشته باشد باین موسسه خیریه پذیرفته میشوند هاسته آن کسانیکه قوت کار کردن و معافی پیدا کردن را داشته باشند یا آن کسانیکه از خود اقارب و پرستان مستطیع داشته باشند بعد از تشکیل و تأسیس این فقیرخانه عموم فقرای مسخر شهربندی خانه جلب و دعوت شده بعدازان امن تکدی و در بوزه کری رسماً در شهر عنوان شود که هر کاه دوباره باین امن کسی مباراثت کرده بود از طرف اداره کوتولی موادخن، میشود.

(۶) علاوه برین که ارباب خیر و خانه عجالتاً هر کدام باندازه

حیث خود پیزی اعانته نقدی یا جنسی باین موسسه خیریه تقدیم میباشد رای جاری بودن خیرات دائمی آهان این سه صورت دیگر هم قرار داده شده تا از ارباب خیرات و مبارات طور داشت اعانت و خیریه شان جاری بوده و این کونه خیرات و

علاءه میرزا علی اکبرخان دفتری که یکی از جوانان حساس

اطمارات یکنفر ایرانی حق شناس تسبت به اعلیحضرت غازی

اقای میرزا علی اکبرخان دفتری که یکی از جوانان حساس و صاحب افضل ایران است و در وزارت جلیله امور خارجیه مان سمت مشاور حقوقی دارد، جندی بدان و روشنانه کابل حرام کرده است اهاییکه افغانستان را در شش سال قبل دیده اند منایی فکری محاسن اخلاق و اهتمام فوق العاده اعلیحضرت

غازی به کار دولت و خدمات ملت، خاطر اوشان را از بحث اخوت دین و علائق مندی مخصوصی که بافغانستان دارند فوق العاده مشغوف ساخته از قدر نظر حق شناسی و اظهار حقیقت

دیگر روز خوش هیکل و نظامی تربیت شده خیلی باعیده

در موضع مذکوره تعیین میگردد.

(۷) در ایجاده ربان هرسال مسلمین شهر و اطراف کوسمند و کار و انتیکه جهت قرمانی ذبح و ایجه میگفتند پوستهای آزار این موسسه خیریه تقدیم میدعنه که از طرف الجمن خیریه طوش رسانیده باین موسسه خیریه صرف کرده شود

(۸) نک های خیریه، فتک (۲) یکه قیمت دارد از طرف الجمن در مراکز پستی رهایش نموده بود که از ارباب خیر هر اس بیل و رضای سود حواته باشد ازان نک ها

البته مسئله بخشنده عمارت عن العماره را بسفارت ایران مستحضر هستید عمارت منبور یکی از بهترین عمارت های کابل است وار جویی و طرز ساخت مانندیکی از بهترین عمارت اروپا است مصالحی که در ان صرف شده برای دولت افغانستان کران تمام شده است ببل و آنایه آن برای بکسافت خانه آبرومند کاملاً کاف است و می توان تفت عمارت و آنایه سفارت ایران ارساز سفارتخانهای خارجه در کابل بهتر است اعلیحضرت غالباً با توجه در ب سفارت ایران تشریف میاوردند یاوز رخخار و با توپیل در ب سفارت ایران کردش هوا خودی بیرون پسر کوچک اورا با خود شخصا اورا برمی کردند کلمه هوا می رند از طرف خوب شخصا اورا برمی کردند کلمه هوا خوری در کابل خیلی معروف است عموم مردم در ساعت ۵-۶-

برای این کار از مزل خود بیرون رفته و نساعت هفت در چین زارهای قشنگ کابل بکش و تفریح مشغولند وابن لفت درین نامه هم معمول است . در موقع هوا خوری اعلیحضرت اند سایر مردم در موتو خود که چندان باعث نورسایرین غاویتی مثل سایر مردم در موتو خود که چندان باعث نورسایرین غاویتی ندارد لشته خودشان هم غالباً رانده آن می باشد و در عرض از مقام پیاوید .

آن که از نقطه نظر پادشاه و عظمت این قام تها در یک موتور اشته و واحدی التفات نکرده باین هیمنه در شم آمدورفت کند در موتو اعلیحضرت روزها پیش از ۸ فریخی نشینند و خودشان موثر رانده بازیهان عدد مراجعت میگند این عدد هم چندان از اشراف هملکت که دیگر حالات اقدام اعلیحضرت وجود خارجی ندارد) نیستند بلکه از مردمان معمولی بعنی هر کس هم موقع و ارشدن با توجه در تذکر نظر اعلیحضرت هاشمی نشینند

در نثار رودخانه کابل که خود اعالي از را دریای کابل میباشد چند ماغ مردم را خریده و یک ماغ هم و می برای مردم ترتیب داده اند ماغ منبور بکلی بطرز اروپائی ساخته شده است تمام از چین های جبل قشنگ تشکیل شده و جای اندیم و هتل خیلی اعلیحضرت امیر امان الله خان سومین پسر مرحوم امیر حبيب

القخان شهید است که پس از شهادت امیر منبور این اعلیحضرت ناج تخت هملکت را صاحب شده به دوچیز اقدام نمود اولاً خون خواهی پدر نایا تحصیل استقلال هملکت و از همان ساعت تا کنون برای رسیدن بقصود خود خواب و خورکار بر خود حرام کرده است اهاییکه افغانستان را در شش سال قبل دیده اند

حالاً از هملکت منور مراجعت بگند بکلی از را نمی نشینند . اعلیحضرت امیر امان الله خان تقریباً سی سال دارند قیامت از بزره رو خیل خوش هیکل و نظامی تربیت شده خیلی باعیده

و اسلام و دارای قوّه اطّقه میباشد و ضعیت بدنه خیلی متاسب دا ای چشان خیلی تیز و کینه تمام همیلت اورا دوست دارد .

اعلیحضرت هم غالباً رای تفریح همیلت و میباشد و روز خود میباشد - در رام روق هملکت خود از همه کوئه

کمی قیافه اعلیحضرت را نشاند ایشان را از زور سادگ و بعده زدن کاری خود داری و فر کنار نمیگند .

الاشعی مردم که در ماغ کردش میگند نقاوت تبدیل کار . بحث بی ایشان امید میبورم تبرخ از زندگی خصوصی اعلیحضرت

میگش کم اولاً قوهفن یکرمه اند که آنها در افغانستان بغير از

اشته و طبق جزء دیگری استعمال نمیگند و مراجعت اجرای این

امیر میگیرد خودشان میشوند

آقای مدر ازه وقی که از ایران هنریت نمود ناکنون هیچ موفق نشد بنابر هادت درین که همچنان که حدیقی کردند کی همین خود را بوسه ایشان نیز نمودند و در آخر هر ماه حساب و وجہ این تکن ها بواسطه الجمن خیریه و نخوبیه دار از پوسته خانه ها در داره ایشان حیریه جم و تودیع میشود .

در خانه از حیث و احساسات اسلام دوستی و نوع برقی ازباب خیر و مسلمین این شهر متوجه که در پذیره این امر صرف غیر مستقیم را در این اطلاع پسدا میگردند چند سطیع مجاهدت و توجه پفر میگند امضا شجاع الدوّلہ

(امان افغان) با این اقدام سعادت انجام قای نظم هم

هر چیز تبریک و تهانی نموده اجر جزیل و ثواب جیل دره بیاو عقباً رای شان نیاز میگشتند . الحق که حضرت عالی یک رکن

زرك اعجل اسلامی و کارهای نوع دوستی و اجتماعی را احیا زوده هم غیشود و بعلاوه خودمن هم هنوز کاملاً اطلاع پیدا نمکرده اند و مانندیکی در تاریخ برای خود بیاد کار آنرا داده اند

پسندند که دیگر بزرگان و زماداران و توافقنکاران اند . امید میگرد که دیگر بزرگان و زماداران و توافقنکاران پیز جناب عالی را در این عمل بپر اتباع و اتفاقاً نموده هم قامیں

живات فقرا و بی دست و بایهان نیک و سعادت دارین اکتساب نمایند .

آنچه مدری قبل از هر چیز مجبور مشاهدات و اطلاعات خود را در خصوص اعلیحضرت فازی امیر امان الله خان بادشاه

محبوب و استقلال دهنده افغانستان پیکارم زیرا هرچه این هملکت دارد از پرتو فکر روشن و جدیت و پیش کار همین شخص است و بس .

اعلیحضرت امیر امان الله خان سومین پسر مرحوم امیر حبيب القخان شهید است که پس از شهادت امیر منبور این اعلیحضرت

ناج تخت هملکت را صاحب شده به دوچیز اقدام نمود اولاً

بقدیمی لسبت بوزر عذر و اعذای سفارت و ما اینها

مهرانی و ملاحظت کرده است که حد نهاد

هروزارت خانه کارمیکند قشون افغانستان را کاملاً مرتبت کرده است. قشون منظام افغانستان پیش از یک لالک یعنی صد هزار نفر است خیلی منظم و تمام احتیاجات امara امته داخلی مملکت میکند مالیه مملکت کاملاً بودجه مخارج آن را تنکافر میگیرد و حق از مخارج هم زیاده تراست راجح بسایر قسمت های زندگی بر جست اعلیحضرت و ترقیات ملک و ملت افغانستان برای اطلاع هوطنان عنزیز در آینه نزدیک بسیار مقرر کرده است که هر راه آنها بیلاق و قشلاق کرده هر راه که آنها رای چراندن کله خودمی روند این معلمین هم برای تربیت اطفال آنها حاضر باشند.

اعلیحضرت دانگادر حب خود یک قیچی دارد که در هر جا خصوص امنیت پر دستور می دهد.

اعلیحضرت در کوچکترین کارهای مملکت د جبل است و برای کوچکترین آنها فیکر میکند. همیشه در فیکر معابر اس. شیوه در تمام افغانستان مدارس ابتدائی تأسیس کرده است حق برای مدردم کوچک که مثل ایلات، جای معنی ندارند مدارس سیار مقرر کرده است که هر راه آنها بیلاق و قشلاق کرده هر راه که آنها رای چراندن کله خودمی روند این معلمین هم برای تربیت اطفال آنها حاضر باشند.

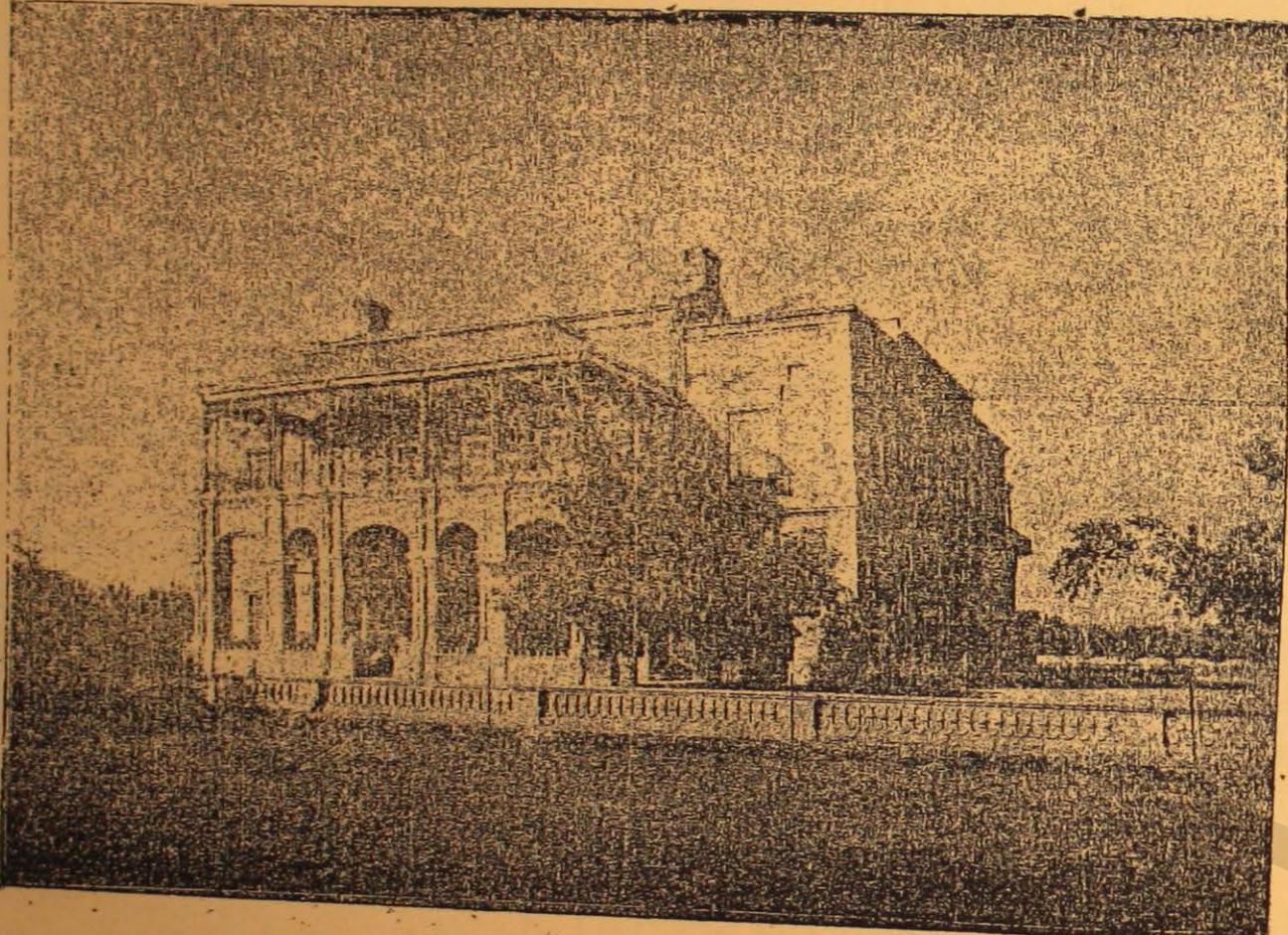
یک مدرسه عالی فراسوی در کابل بنام مکتب امایه تأسیس کرده است که پیشتر از یصد و پنجاه طالبالم دارد یک مکتب عالی آلمانی در کابل مشغول بنا است که آنهم دارای معلمین محجب است و حق یکی از معلمین مدرسه المانی طهران که سالها در ایران بوده و بدکثر ایوان موسوم است برای ریاست این مدرسه از برلن منتخب کردیده است مدرسه عالی فراسوی کابل دارای پیشتر از یصد دختر محصله است مدارس ابتدائی نسوان هم در شهر ها خیلی زیاد برای راه معارف از همچوکه خروج فرو نگذار نمیکند. برای رفاه حال مسلمان تا محل ایجاد بیست هزار نفر دستورالاقی و چهل نفر ایطالیانی انتخاب شده اند اما نیاز آمده و در شهر کابل منیضخانه های نسوان و مدرسها درست کرده و یکدهم هم بشهر ها فرستاده شده اند د کثر راه ایطالیانی هم خواهند آمد نه ام اینها بوج گفتات مجبور به علاجه هر کسی مستند که باور جو عکس و تکفان حق العلاج استندا بدون قرعه است.

قدار زیادی هم دوایات از امان خواسته اند بور کس که اسخنه دکتر را ببرد بجانان داده میشود.

باری بطور خلاصه بکویم برای راحتی افغانها اعلیحضرت بیچوجه خود داری نمیکند.

شرکت مالی که در مملکت تأسیس میشود برای تشویق از جیب خود یعنی ازان جزئی مالیه شخصی که دارد و از راه عین زیادی از معاشرین دولت برطانیه و کلان شونده های شهر کراجی امال نامه داده است و زندگی شخصی او هم ازان میکردد و بواسطه یه قوافل آری که بجز راه ای راه را پرده های داشتن عین امال از کرفتن مواجب دیوان هم سرف لظار کرده و به منفعت مدارس اسوان ازان کذشت کرده است سهم ها خریده و بوسایل همکه تجارتخانها و شرکت های افغانی را که میکند.

فرداً فرداً احوال رسی ها و نوارشمای مینه و دند حقیقاً این تمام وقت اعلیحضرت که حقیقته میندان. گفت هائق مملکت خود میباشد هر ف کار مملکتی میشود. حقیقاً که تمام وزراهم از کار فراغت دادند یک وقت دیده میشود اصف شب اعلیحضرت



(قصر دلکشا)

کسی نمیدانست که ماسدم از بکجا آمده و به چگامیروم حالاً که از فعل خذاؤند متعال و نوجه و غنیواری ذات ستوده سفات اعلیحضرت غازی پر قمای ای خود مان بدول های خارج فیروز این خانه در بارشاهی بقرار اطلاع ع عبدالفورخان اعلیحضرت افغانی ساعت بجیم بجه حاضر شده بشمولیت نفری افراده شده این گونه شادمانیها برای ماسدم افغان بزرگترین اتفخارات و امیازات است لمنا در برابر شکر آن این موہب عطا و عطیه کباری آلی و جافتاخانه ای اعلیحضرت غازی را اکهزارها زبان داشته باشم و با سروjan و او لاد خود را شار کنیم از هزار بی را بجا آورده نمیتوانم بدون از همین که الله نیازک و تعالی و جل علی شانه بحرمت حضرت رسول مقبول (ص) سایه سرماهم بایه اعلیحضرت غازی بدر تاجدار افغانیان را از مفارق ماک و کوئاه نگرداند و ترقی دوام دولت ایدم دست و ظل عاطفت دولت متوجه خود محروم و در هیچ سرزمین

۱۴۰۲ رجب حوت سنہ افغانی را بسلامی وجود ذیجود حضرت شہریار دیندار عدالت
نهاد برقرار و روز افزون داشته و دشمنان ملت و دولت مان
را سرنگون داراد بالنون و صاد فقط تحریر یوم سه شب

(دستخط و مهر تجارت)

ملا شرف الدین آخندزاده قندهاری — محمد رفیق نخلی تجارت
قندهاری — حاجی محمد یوسف لوانی تجارت قندهاری — شیخ
حاجی عبد الله جان الکووزائی تجارت قندهاری — ولی محمد
محمد قندهاری — محمد حسین کاکری قندهاری — ولی محمد
توخی قندهاری — حاجی محمد جان کابلی — حاجی عبدالقوی
قوم جریانی قندهاری — عبدالرحمون کاکری تجارت قندهاری
لعل الدین یوسف زائی تجارت قندهاری — شاه محمد قوم کاکری
تجارت قندهاری — حاجی خان محمد سرکی تجارت قندهاری
خدابنده تجارت قوم یوسف زائی قندهاری — سید فیض ح
تجارت قندهاری — لعل محمد کاکری تجارت قندهاری — عبدالغفور
قوفلزائی تجارت قندهاری — محمد رحیم قوم یوری هراتی
عبدالطیف شاد زائی هراتی تجارت — چاکر قوم بلوج هراتی تجارت
یوسف بلوج تجارت هراتی — ملا محمد اعظام تجارت هراتی —
پار محمد تجارت انار دره کی — غلام فدوی مهرانه مامور ک
تشرکت امانیه عبدالغفور تجارت — حقیر فیض محمد کاکر
قندهاری — محمد عالم تاجر قندهاری — عبدالحق تجارت قندهاری
حاجی محمود هراتی مقیم کراچی — عبدالرحمن تجارت — غا
لخی الدین قندهاری — حاجی عبدالجید تجارت — شعبان یهودی
جان یهودی — فربالعلی تاجر هراتی — سمندر خان هراتی
محمد انور لوانی تجارت قندهاری — دین محمد توخی تجارت قندهاری
اکولا لا تاجر قندهاری — محمد اسماعیل تاجر قندهاری
بابا ابوبکر — سید خداداد شاه تاجر قندهاری —
امین خان تاجر کابلی — دلاور خان تجارت هراتی — علی ا
تجارت کابلی — فتح محمد تجارت کابلی — فدوی دولت غلام یهودی
تجارت چن — محمد رفیق علی زائی — میرزا عبدالسلام —

نایابی به شب جشن جلوس بالاستقلال
بحضور عالیه جانب علیا حضرت صاحب معلمه و شاه
صاحب مدحمه و حضار محترمہ که در ابن محفوظ مینو مشا
جشن سال شمعین جلوس بالاستقلال اعلیحضرت فائزی نام
شمولیت دارند مادریت نایابی بتهیکات میدیانه و نام
های خالصانه خود را تقدیم داشته خدار احمد میکو هم کاید

فرخنده را بسایه همت و مساعی جهان قیمت ذات کامل الصفا
اعلیحضرت والا ماملت افغانستان بمحصول شرف آزادی واستقلال
با بسیار از دولت های متمدن عالم روشنایی و در انظار
و اغیار دارای اهمیت و اعتبار این روز مسعود را که یک یاد
قیمت دار جلوس چنین پادشاه قهرمان غیور افغان و حا
وزریخواهی مملکت افغانستان است به کمال عشرت و خور
میکنند از خدای متعال خواهایم که بسلامتی پادشاه
محبوب القلوب خود همیشه بچنین روزهای فیروز جشن ها
مسرت اندوز نازل و کامیاب بوده ترق و تعالی ملت و حکوم
افغانستان را با صراحت حقوق و حفظ تاموس و شرف اسو
افغان خواهان باشیم

شَعْرَانِ دَارِ الْحُسْنَى

خروف کا

شنبه بیست و دوم حوت از ساعت ۱۰ تا ساعت ۶ شب
در ببل حسنه فکای واقع شده بواسطه تغیر رنگ فضا از جم
سینه قطعات مختلف الالوان ابرها رنگ ماه نک های متعدد
تبديل میشد . تغیر رنگهای ماه صدم را محیرت آورده بود
قرار محمود غلقله ببل و تکیر و صلووات طفلان که در همه
موانع معقول اس بحکامه بزرگ رو با کرده بود .

معارف

مدرسۀ حبیبیه که صرائب ازیک مکتب رشدی و مکتب حکام و مکتب قضات و مکتب اصول دفتری و مکتب مساحت اراضی بود درین روزها تجزیه شده در مدرسۀ حبیبیه هان مکتب رشدی باقیماند . مکتب حکام و اصول دفتری و مساحت مکتب جدا کاره شد که همیر دیگری آن را اداره خواهد نمود . مکتب نضات به دارالملعین ملحق گردید .
(ورود بعض حضرات از مسافرت)

اطبع

برادران عنزیر ا
چندی قبل نوشته بودم که حکومت برطانیه تفکهای
که از فرالله خریداری کرده بودم در عین توقيف نم
و نمی‌کنند از افغانستان شود و این اقدام دولت موحی‌ال
برخلاف مقررات عهد نامه است که بین دولتین انعقاد یافته‌
هردم افغانستان که به اسلام شف و علاقه مندی کای دا
از استهاع این اخبار به هیجان آمده محض اطاعت و انت
اوام حکومت متبعه خوبی از اقدامات و حرکات عملی
داری می‌کردند . راجع به سنه تفکهای ناینوقت مکتوب
بسیار از اطراف وا کناف به اداره رسیده است و استهاع
نموده اند که آیا تفکهای مارا دولت انگلیس کذاشت که و
افغانستان کنیم یا نه . چنانچه مکتوب یک‌نفر سالنگی را
درک احساسات کوهیه‌ای افغانستان درج نموده بودم و از
مکتوبات بوجه شنیدی و درستی مفترط آنها که حسب
ما بحالت فعلی که حال سلم و سکون است متناسب نداشت
نظر کردم :

حاله برای تسکین قلوب پر از هایان شجاعان و شیران
اطلاع میدهیم که حکومت برطانیه طریق زمی و مالت
فی سابق با حکومت متیوون، مایش کرفته اجازه داد که تنفس
خود را وارد خاک افغانستان نمایند و انشاء الله در همین جندا
تفکمای مذکور وارد کابل خواهد شد .

حضرت عالی ع . ج ، رئیس هیئت نظیمه ولایت ترکستان
آفی محمد ابراهیم خان ة از مدت دو سال است برای نظم و اسوق
اور اداریه آنجارفته بودند ، کارهای خود را انجام داد
درین روزها مع الحیر سلاطی وارد کابل شدند . جناب محظی
سر ار محمد یوسف خان صاحب والد بزر گوار حضرت عالی
ورر صاحب حرب ۹۵ ری علاج و نداوی " مرضیکه بوج
شان بود . فرانسه رفته بودند ، درین روزها مع الحیر برگرد
بسلاطی وارد کابل شده‌اند آقای محمد اسحاق خان معا
وزارت مختاری افغانی در پاریس در همین هفته برای به
کارهای " که داشتند وارد کابل شده‌اند . امان افغان از ور
این حضرات محترم اظهار مسرات و چنین نموده به علاقه مندان
و دولتستان آنان عرض تبریک می‌نماید .

(حفریات در خوابه های بلخ)

وسیو نوشه فرانسوی ماهر فن آثار عتیقه، مقام توب
را که بیرون دروازه باه قوست در بلخ، ویک تبه دا

دروطن ماهم اکثر مردم اوشان را می‌شناستند . مولوی اعلیخان پسر همین مولوی ظفر علیخان است که یک جوان بالای وحشایی است و مدتها مدیر روزنامه زمیندار بود زمان بوجه اظهار احساسات وطن خواهی حبس شدند و در روزها که میعاد حبس شان تمام شده است رهایت‌ده اند و رهایی این جوان وطن‌خواه حسنه اظهار می‌سرت می‌کند و برای خود شان و دوستان شان ببار کیاد می‌گویند .

(روضہ و انکلس)

خبر و اصله از مایکتو حاکی است که مسیو راکوف
اعلان نمود، است که روسیه خیال دارد ۳ میلیارد روبل
از انگلیس قرض بگیرد . برای مذاکرات بین روسیه و انگلیس
خود را کوف-کی لندن خواهد رفت .

(اعماق)

از طرف وزارت امور خارجی

عالیقدر خاتم عباد العزیز خان قوانسل افغانستان مقد
مشهد مقدس اطلاعداده که (۲۰۰۰۰) هنات ، قرض
(امیرک) نام افغان که برذمه خدا بخش نام جدیدی بو
از طرف خدا بخش مذکور بطور طاریت تا اخیر شد
امیرک منزبور نحوله قوانسل کری شده است . مدتی شـ
که مذاهای مذکور در قوانسل کری می باشد لا کن از امیرک
افغان در این مدت از این و سراغی پیدا نشد که مذاهای
خود را بسکرید . لهذا از طرف وزارت خارجیه اعلان
می شود هر کاه امیرک افغان زنده باشد و کسی اور امی شناسد
او را اطلاع بدنهند که پوزارت امور خارجه حاضر بشود
و خود را معرف نماید تمام مذاهای اور اخواسته تسلیم او کنیم
و اکر خود امیرک فوت آرده باشد ورنه او حاضر بشود
عبدالشکور مدر شمعیه مالک اسلامی

(اخطار اداری)

سال تمام شد و قیمت اشتراک جریده از طرف اکثر مشترکین
تربیه بلکه بر ذمہ بعض حضرات بزرگ دو ساله و سه ساله
قیمت مانده امید میرود که بزودی و چه اشتراک ذمہ که
خود هارا پرستاند و پیشتر ازین آسامع و اغراض نکنند.

در مطبوعه حروف مائین خانه طبع کر

پس از توضیح دادن راجع باشکه هاینی خ-لافت مجدداً
بر روی یک اصل و ساز برقرار کرده بجای اینکه افو ترد
و پس از توضیح دادن راجع به اینکه منافع این جنین خلافت
نه فقط برای تمام عالم اسلام است بلکه برای نزدیک هم اهمیت
دارد به ترکیم اطلاع داده شده است که کاری بگشتهند که مسبب
از میان نه روزن قدرت مسلمان گردد.

ویgorاً تقاضا کردند که مجدداً آن تصمیم مجلس را بحال
ترده و اجازه بدنهای نایابنده آنها به انفراد آمد و کاملاً لظر
کیته را با آنها بفهمانند . ما منتظر جواب انقره هستیم و این
واریم برادران مصری ما کاملاً بانتظارات مأمور افق بوده و باهم
طرز رفتار نایابند . قبل از نهیین تاریخ و محل العقاد کنفرانس
منتظر جواب انقره میباشیم خواهش هاست مطالبات فوق را
به سوریه فلسطین طرابلس و سایر ممالک عرب اور مسلمان
اطلاع دهند .

(اخبار ایران)

۶ مارچ - از لندن اطلاع داده شاه ایران که در ایران روزها به پاریس بود و بیخو است به ایران برگرد تا لکرافت عنانش باور سیده اعلام کرده که ضرورت برکشتن او غایب است فکر جمهوریت در ایران قوت کرفته روز نامه نویسا با مسراحت آن مقالات حرارتی کی می‌توینند خطاباً و ناطقی می‌افل و مجالی العقاد داده افکار خان را بین طرف بین میدهدند بالآخر مسئله در مجلس مطرح مذاکره قرار داده است اکرچه اطلاعات مجلس زیسته است که مسئله بر ج فرار کرفته ولی از اوضاع جنان معلوم نمی‌شود که جمهوریت فرار خواهد کرفت وبالاً افل سلطنت از شاه فعلی به کدام شیخیم دویک انتقال خواهد کرد.

(مدیر روزنامه سیاست)

جناب سید حبیب مدیر روز نامه سیاست که از مدت سال بجرم وطنخواهی محبوس بودند در این روز هامدث حبیب او شان ختم شده رها شدند چون که جناب معظم له علادو ازانگاه کار محترم مان و مدیریک روزنامه عمده اسلامی میباشد از وطنخواهان نامدار هندوستان هستند و خیالات ترقیات اسلام در مغز دارند لهذا از رهائی شان بسیار خورستند کردیده بخدمت او شان و دوستان او شان هر رض تبریک و تهنیت مینمایم.

(مولوی اختر علی خان)

مولوی ظفر علیخان مدیر و مالک روزنامه شریفه زمیندار از رجال مشهور هندوستان است که بواسطه روزنامه شان

اعلان

مه فارغین عظام و مشترکین کراما بخواسته هدایت رعایت فرمائند :

۸ - ۱: از تغواه عموم مه اشخاصیکه خواه از طریق ماموریت ، خواه بطریق اهنازی و خاندانی بقصد ویه زیاده تر تغواه اداره قیمت اخبار حکمی از تغواه هایشان در دفاتر پادشاهی وضع میشود ، و از دفاتر پادشاهی طومار برات شان همساله بهاداره میرسد ، و از فرمان نوبی که دفترها داده است از اداره بنام هایشان اخبار جاری میشود .

۸ - ۲ : کارداران و مامورین ملکی و نظامی و یادبکر اشخاصیکه بقصد ویه یا زیاده تغواه اداره ندچون به لک کارداری و چند منفر شوند از همان وقت رای (میر) اخبار تحریر آشیستند آخبار بنام شان جاری شود ، اگر چنین میشود که خبر نمیدهد و چون بعد چند ماه از تغواه شان وضع میشود مجبور شده رای اداره مینویسند در آنوقت نسخه های سابق خود را بخواهند که موجود نمی شوند . لهذا لازم است که از ابتدای مقرری کار داری خود و تغواه خود رای مدررا خبر ان جاری باشد .

لک سمت بدیگر سمت نقل مأموریت نکنند و یاخوش خردوارانیه از یکجا بدیگر خارجند . و با خانه بکنند میباشد به لک رفعه بدهند . بیان یکفیت بکنند تا نشان زن و بدل داده بدون تعیین

لک که بخواهش خود شان در دارالسلطنه و یا ولایات رزوی خردواری اخبار را داشته باشند بسبیکه بجز خزانه دو حق بدیگر لک ارسال و مرسول یسه نقدی رای اداره مشکلات پیدا میکند ، ازان روجه یکساله یا ششماهه اخبار را به خزانه بیت المال دوند رده از بابت قیمت اخبار کفته نسیم می کنند و لک قطعه رسیدخانه را کرفت بهمراه لک مكتوب از طرف خود بنام (میر) (امان افغان) روانه می کنند ، و سر از همان وقت اخبار بنامش جاری میشود .

۸ - ۳ : تغواه خواران کرامی که در ولایات داخل ممالک محروسه افغانستان مقیم آند جون از تغواه شان قیمت بدل اشتراك اجده وضع میشود هر کاه اخبار رای شان ترسد حق دارند که از دفتر محل انجا سبب رسیدن اخبار خود را پرسد و دفتری انجا اکر از تغواه وضع کرده و اخبارش رسیده باشد باید درخصوص اخبار ان شخص از میر اخبار تحقیق یکفیت نماید .

۸ - ۴ : دفتر صاحبان محلات همساله نام نویس مشترکین اخبار آن ولایت را کا ز تغواه شان کشتنده آنها بداره (امان افغان) روانه دارند تا بوجب ان از اداره بنام شان اخبار جاری شود .

۸ - ۵ : دفترهای مشارالیهم در اخر هر سال وجه قیمت اخبار را که قلم داد کرده و اخبار رای شان رسیده است باید تحويل خر نرده رسیدهای خزانه را بهاداره (امان افغان) ارسال بکنند تا بمواض رسیدهای خزانه از طرف اداره سند داده شود و حساب شان بدقفر اداره قطع شود . و اگر رای اسامی کا ز تغواه شان وضع کرده باشند و اخبار رای ان اسامی رسیده باشد دفترهای مشارالیهم بالداره خواهه کرده حق را بحق دار رسانند

Digitized by srujanika@gmail.com

